



## هزار حدیث نبوی، اولین اثر شیعی در جمع احادیث نبوی

پدیدآورده (ها) : خدامیان آرانی، علی اکبر

علوم قرآن و حدیث :: حدیث حوزه :: زمستان 1389 - شماره 1

از 135 تا 148

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/867368>

دانلود شده توسط : موسسه دارالحدیث

تاریخ دانلود : 06/08/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)

# هزار حدیث نبوی، اولین اثر شیعی در جمع احادیث نبوی

علیرضا خداآمیان

## چکیده

کتاب حدیثی شیعه میراث گران‌بهایی هستند که بیانگر سخنان گهربار معصومین (علیهم‌السلام) در تمام جنبه‌های دین و زندگی هستند. کتاب جامع الاحادیث که مؤلف آن جعفر بن علی بن احمد القمی است، یکی از این میراث گران‌بهاست که نگارنده در پی آن است تا شناختی از مؤلف را به خوانندگان عرضه بدارد و کتاب ایشان را معرفی و خصوصیات آن را بیان کند. نویسنده‌ی مقاله بر این باور است که این کتاب اولین تألیف شیعه، راجع به احادیث مختص به پیامبر است که به صورت الفبایی به نگارش درآمده است و احادیث آن منحصر در موضوع خاصی نیست.

واژه‌نامه: حدیث، حدیث پیامبر، حدیث نبوی، شیعه، جامع الاحادیث، جعفر بن علی بن احمد، ابو محمد جعفر بن علی بن احمد الفقیه القمی الإیلاقی، احادیث الفبایی.

## درآمد

این مقاله، همان‌طور که از نام آن معلوم است، درباره‌ی اولین اثر و کتاب شیعه به نام «جامع الأحادیث» است که به جمع‌آوری احادیث منقول از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پرداخته است و تنها، احادیث پیامبر را در آن ذکر کرده است. مؤلف آن از علمای قرن چهارم هجری می‌باشد و به گفته‌ی بسیاری از بزرگان، نیازی به توثیق و تزکیه ندارد و بسیاری از احادیث او، دارای اعتبار و مسند هستند و در کتب دیگر شیعه نقل شده است و اولین اثر شیعه در جمع‌آوری احادیث گهربار پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است؛ اما این سؤال مطرح است که چرا این کتاب، مورد توجه معاصران قرار نگرفته است؟ و در نرم افزارهایی مانند «مکتبه اهل البیت و جامع الأحادیث»، نیز وجود ندارد، این مقاله سعی بر آن دارد که تحقیقی درباره‌ی مؤلف محترم و این کتاب شریف به خوانندگان عرضه بدارد.

## مؤلف

در تمام مصادر تراجم، نام مؤلف «جعفر» است؛ اما در نام پدر او اختلاف کرده‌اند؛ برخی نام او را «جعفر بن احمد بن علی» و بعضی دیگر «جعفر بن علی بن احمد» نگاشته‌اند.



سید ابن طاووس در «الدروع الواقیه» (الدروع الرقیه: ۲۷۲ و ۲۷۳) و «فلاح السائل» (فلاح السائل: ۱۶۱ و ۲۶۵) و علامه حلّی در «التحصین» (التحصین: ۲۰) و «عده الداعی» (عده الداعی: ۲۲۷) و شهید ثانی در «روض الجنان» (روض الجنان: ۳۶۱) و علامه مجلسی در مقدمات بحار (بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۹) و خوانساری در روضات الجنات (روضات الجنات، ج ۲، ص ۱۷۲) قول اوّل را پذیرفته‌اند و نام او را در کتب خود «جعفر بن احمد بن علی» ضبط کرده‌اند.

علامه شعرانی در مقدمه‌ی چاپ سنگی این کتاب نوشته است: «مصنّف این کتب الشیخ الثقة ابو محمد جعفر بن احمد بن علی القمی الإیلاقی نزیل ریّ است و در برخی نسخ، ابن علی بن احمد آمده است؛ اما صحیح همان اولی است.» (مقدمه چاپ جدید کتب جامع الاحادیث، ص ۱۱)

اما شیخ صدوق در معانی الاخبار (معانی الاخبار، ص ۶) و التوحید (التوحید، ص ۸۸ و ۳۱۷ و ۳۲۱) و عیون اخبار الرضا (عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۵۹) نام دوم را ذکر کرده و فرموده است: «حدثنا ابو محمد جعفر بن علی بن احمد الفقیه القمی ثم الإیلاقی رضی الله عنه.» (معجم البلدان، ج ۱، ص ۳۷۲ و ۳۷۳)

هم چنین شیخ طوسی و ابن داوود در رجال خود آورده‌اند: «جعفر بن علی بن احمد القمی المعروف بابن الرازی یکنی ابامحمد، ثقة، مصنّف.» (رجال شیخ، ص ۲۸)

(لفظ ثقة در رجال شیخ نیامده، رجال ابن داوود، ص ۶۲)

### دلایل صحت نام دوم

۱. شیخ صدوق که بدون واسطه از او حدیث نقل کرده و معاصر ایشان می‌باشد، نام دوم را در اسناد روایاتش ذکر کرده است و این بهترین دلیل بر صحت نام دوم می‌باشد.
۲. شیخ طوسی که صاحب دو کتاب از کتب اصلی رجال شیعه است نیز، نام دوم را ضبط کرده است.
۳. ابن داوود که ایشان هم مؤلف یکی از کتب اصلی رجال شیعه است، نام مؤلف را جعفر بن علی بن احمد ذکر کرده است؛ بنابراین با توجه به این سه دلیل باید گفت که قول صحیح، همان جعفر بن علی بن احمد می‌باشد.

### اقوال بزرگان در باره‌ی مؤلف

شیخ صدوق او را با لفظ «الفقیه» توصیف کرده است و در سه کتاب التوحید، معانی الاخبار و عیون اخبار الرضا برای او طلب رضوان کرده است: «حدثنا ابو محمد جعفر بن

۱۳۶

حلیت  
عنوان  
تخصیصی  
علی  
فصلنامه

۱. (ایلاق نام مکانی است و این که این مکان کجاست سه قول وجود دارد: الف) نام یکی از شهرهای چابچ هم‌سرز ترکستان؛ ب)

شهری است

از نواحی نیشابور؛ ج) شهری است از نواحی بخارا.

علی بن احمد الفقیه القمی ثم الإیلاقی رضی الله عنه. (امان الاعجاز، من التوحید، ص ۸۸ و ۲۱۷ و ۲۲۱)؛ (هیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۵۹)

شیخ طوسی نام او را در باب «من لم یرو عن الائمه علیهم السلام ذکر کرده است و جرح و تعدیلی انجام نداده است و فقط گفته است که ایشان صاحب مصنفاتی هستند: «جعفر بن علی بن احمد القمی المعروف بابن الرازی یکنی ابا محمد صاحب المصنفات». (شیخ، ۲۲۱)

اما ابن داوود در رجال خود به نقل از رجال شیخ طوسی، ایشان را توثیق می کند: «جعفر بن علی بن احمد القمی المعروف بابن الرازی یکنی ابامحمد، ثقة، مصنف». (شیخ، ۲۲۱) **تأیید** اما در رجال فعلی شیخ طوسی لفظ "ثقة" وجود ندارد. البته مرحوم قهستانی در رجال خود، همان عبارتی را آورده است که ابن داوود در رجال خود به نقل از رجال طوسی آورده است؛ (مجمع الرجال، ج ۱، ص ۳۳۱) لذا ممکن است در برخی از نسخ رجال شیخ طوسی لفظ "ثقة" موجود بوده است.

سیدعلی بن طاووس در اواخر کتاب «الدروع الواقیة» می نویسد: «و هذا جعفر بن محمد، عظیم الشأن، من الأعیان، ذکر الکراچکی فی کتاب الفهرست أنه صنف مائین و عشرين کتاب بقم و الری». (الشیخ، ۲۲۱)

هم چنین در فلاح السائل نیز فرموده است: «روی ذلك الشيخ الفقيه السعيد ابو محمد جعفر بن احمد القمی فی کتاب ادب الإمام و المأموم». (مفهمه جاب حیدر، کتاب جامع الاحادیث، ص ۱۰۱) در اول تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام نیز، ایشان به «الشیخ الفقیه» توصیف شده اند. (تفسیر امام عسکری، ص ۱۹)

علامه مجلسی نیز در مقدمات بحار هنگام بیان اصول و کتب می فرماید: «و الاصل الآخر... و ینظر منه جلاله مؤلفه». (بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۳)

و در جای دیگر می فرماید: «الشیخ النبیل ابی محمد جعفر بن احمد بن علی القمی نزیل الری علیه السلام». (همان، ج ۱، ص ۱۹)

سید خوانساری در روضات الجنات فرموده است: «الامام الهمام التمام الکامل المؤید ابو محمد جعفر بن احمد بن علی القمی نزیل الری... و بالجمله، فالرجل من المحدثین الأعیان و المصنفین فی أفنان». (روضات الجنات، ج ۲، ص ۱۷)

سید امین در اعیان الشیعه گفته است: «و مما مرّ یعلم أنه لا ینبغی التأمل فی وثاقته و جلالته لو لم یکن وصفه الصدوق بالفقه کافياً فیها، کیف و وصفه بها دالاً علی ذلك». (امان الشیعه، ج ۲، ص ۸۳)



آقابزرگ طهرانی نیز در طبقات اعلام الشيعة ایشان را به «ثقة مصنف» توصیف کرده است. (طبقات اعلام الشيعة ج ۱، ص ۶۸)

میرزای نوری در خاتمه مستدرک می‌نویسد: «و من جميع ما ذكرنا يظهر أنه كان من العلماء المعروفين الذين لا يحتاجون الى التزكية و التوثيق...» (عانة المستدرک ج ۱، ص ۱۱۰)

آیت‌الله سبحانی نیز در موسوعة طبقات الفقهاء می‌نویسد: «و كان فقيهاً، عيناً، عظيم الشأن، كثير التصانيف.» (موسوعة طبقات الفقهاء ج ۴، ص ۱۱۹)

بنابراین با توجه به ادله‌ی فوق و این‌که مؤلف از اساتید شیخ صدوق می‌باشد و خود شیخ صدوق نیز برای ایشان طلب رضوان نموده است، ایشان از اجلاء می‌باشند و مهم‌تر این‌که صدوق او را توصیف به «الفقيه» کرده و بنابر نظر برخی از رجالیون از جمله میرداماد صاحب

«الرواشح السماوية» این لفظ افاده‌ی «وثاقت» می‌کند. (الرواشح السردی ص ۱۰۳)

### طبقه‌ی مؤلف

مؤلف یکی از مشایخ شیخ صدوق است که جناب صدوق از او روایت نقل می‌کند و البته مؤلف هم از شیخ صدوق روایت نقل می‌کند، هم‌چنین از روایانی که متوفی قرن چهارم می‌باشند، روایت نقل می‌کند.

برخی از روایانی که از آن‌ها نقل روایت می‌کند عبارتند از:

«سهل بن احمد الديباجی (متوفای ۳۷۰)، ابو محمد هارون بن موسی (متوفای ۳۸۵)، ابوالفضل محمد بن عبدالله الشیبانی و محمد بن وهنان و أبی عبدالله حسین بن هارون الضبی و محمد بن احمد بن الفطریف (متوفای ۳۸۷).»

بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که ایشان از علمای قرن چهارم و پنجم هجری و معاصر شیخ صدوق بوده است.

### تألیفات

مرحوم کراچکی در الفهرست برای ایشان ۲۲۰ کتاب برشمرده که در قم و ری تصنیف کرده است؛ اما با تأسف، باید چنین گفت که حتی اسامی آن کتب نیز به ما نرسیده است تا چه برسد به نُسَخ

آن‌ها مگر کتبی که از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی‌کند.

### أما تألیفات ایشان:

۱. ادب الإمام و المأموم (روضات الجنات ج ۲، ص ۱۷۱) (امان‌الشیعة ج ۲، ص ۸۱۲) (الذریعة ج ۱، ص ۳۲۸)

(الروايد الرسولية، ص ۱۲۴)



۲. المنبئ عن زهد النبي (صلى الله عليه وسلم): (الدرج الوفي، من ۱۷۲ و ۱۷۳) (فلاح للنائل، من ۱۶۱ و ۱۶۵) (مفة الناصي، من ۲۲۸) (قصصين، من ۲۰) (روضات الجنات، ج ۲، من ۱۷۲) (أعيان الشيعة، ج ۲، من ۸۳) (الروضة الرضوية، من ۱۲۶) (الدرية، ج ۲۲، من ۳۵۵)

۳. فضائل جعفر بن ابی طالب: (مقلمه چاپ جدید کتاب جامع الاحادیث به نقل از رساله الامران، من ۳۳۱)

۴. فضل الجمعة: (کتاب العروس، من ۵۶۶) (الدرية، ج ۱۶، من ۲۶۶) (أعيان الشيعة، ج ۲، من ۸۳) (الروضة الرضوية، من ۱۲۶)

۵. دفن الميت: (کتاب الغایات، من ۳۳۰) (الدرية، ج ۱، من ۳۳۳) (روضات الجنات، ج ۱، من ۱۷۳) (أعيان الشيعة، ج ۲، من ۸۳)

این پنج کتاب متأسفانه به دست ما نرسیده است؛ اما سید ابن طاووس در کتب خود از آنها روایت نقل می‌کند و نام این کتب در تراجم شیعه ذکر شده است؛ اما شش کتاب بعدی که ذکر می‌شود، به دست ما رسیده و نسخه‌های آنها موجود است و برخی از آنها به چاپ رسیده است.

۶. نوادر الأثر فی علی خیر البشر: این کتاب در بیان طرق حدیث شریف «علی خیر البشر» می‌باشد. <sup>۱</sup> (الدرية، ج ۲۲، من ۳۳۳)

۷. المسلسلات: مؤلف در این کتاب احادیث مسلسل ۲ را جمع آوری کرده است. (روضات الجنات، ج ۱، من ۱۷۳) (أعيان الشيعة، ج ۲، من ۸۳) (الروضة الرضوية، من ۱۲۶) (مقلمة السراج، ج ۱، من ۳۲۰) (الدرية، ج ۲۱، من ۲۱۱)

۸. الغایات: مصنف در این کتاب با ذوقی که داشته است، احادیثی را که با "أفعل التفضیل" مانند "أفضل الأعمال" یا "أبغضها الی الله" شروع شده‌اند، گردآوری کرده است. (الدرية، ج ۱، من ۳۳۳) (الروضة الرضوية، من ۱۲۶) (مقلمة السراج، ج ۱، من ۳۲۰) (أعيان الشيعة، ج ۲، من ۸۳) (المبصر للشيعة، من ۲۱۱)

۹. العروس: این کتاب درباره‌ی خصائص روز جمعه و فضایل آن است. (الدرية، ج ۱۵، من ۲۵۲) (الروضة الرضوية، من ۱۲۶) (شعبه السراج، ج ۱، من ۳۳۰) (روضات الجنات، ج ۱، من ۱۷۳) (أعيان الشيعة، ج ۲، من ۸۳) (المبصر للشيعة، من ۲۱۱)

۱۰. الأعمال المانعة من دخول الجنة: احادیثی که توضیح دهنده اعمالی است که مانع از ورود به بهشت می‌شود، در این کتاب جمع آوری شده است. (الدرية، ج ۲، من ۳۳۳) (ج ۱۹، من ۳۲۰) (الروضة الرضوية، من ۱۲۶)

(مقلمة السراج، ج ۱، من ۳۲۰) (روضات الجنات، ج ۱، من ۱۷۳) (أعيان الشيعة، ج ۲، من ۸۳) (المبصر للشيعة، من ۲۱۱)

۱. این کتاب چاپ نشده و طبق الذریعة، فقط نسخه‌های آن در بعضی کتبخانه‌ها موجود است.

۲. حدیث مسلسل حدیثی است که تمامی یا بیشتر افراد سلسله‌ی سند تا به معصوم، هم‌نام یک‌دیگر باشند یا تمامی روایات، لعل یک شهر باشند یا همگان هنگام روایت دارای خصوصیت مشابهی در گفتار یا کردار باشند یا هر یک از روایات، از پدر خویش نقل نموده باشند؛ مثل آنچه بنی فلان واطه که لفظ مزبور در یکان یکان افراد سلسله سند تکرار شده باشد. درایة الحدیث، استاد کاظم مدیر شانه‌چی، ص ۱۰۰.

این چهار کتاب در مورد توجه علمایی مانند علامه‌ی مجلسی بوده و نسخه‌های آن نزد ایشان موجود بوده است و بر همین اساس، علامه مجلسی بسیاری از احادیث این چهار کتاب را در «موسوعه کبیر بحار الأنوار» نقل کرده است.

۱۱- جامع الأحادیث النبویة: موضوع بررسی این مقاله قرار گرفته است. در این کتاب به گفته‌ی شیخ آقابزرگ طهرانی، کتاب‌شناس معروف شیعه، مؤلف، ۱۰۰۰ حدیث از احادیث پیامبر را جمع‌آوری کرده است. (الدریعه، ج ۵، ص ۳۱)؛ (أخبار الشیعه، ج ۲، ص ۸۳)؛ (تأسیر الشیعه، ص ۲۱۲)

### روش تألیف

مؤلف در این کتاب، نزدیک به ۶۰۰ حدیث را نقل کرده است و طبق شمارشی که انجام شد، ۵۷۸ حدیث وجود دارد.

این احادیث، بر طبق حروف الفبایی مرتب شده است و این نشان از ذوق بالای مؤلف دارد؛ اما احادیث هر باب، طبق حروف الفبا مرتب نشده است و به صورت پراکنده ذکر شده است.

همه‌ی این روایات، از رسول خدا (ﷺ) است که به واسطه، از ائمه اطهار (علیهم‌السلام) نقل شده است. مؤلف در این کتاب، از احادیث اهل سنت نیز استفاده کرده و تعدادی از احادیث عامه را نیز نقل کرده است.

### انگیزه‌ی تألیف

با توجه به مقدمه‌ی کتاب، روشن می‌شود که مؤلف، این کتاب را به درخواست شخصی نوشته است که از او خواسته بود، سخنان پیامبر (ﷺ) را طبق حروف الفبا، برای او جمع‌آوری کند و مؤلف هم به خواسته‌ی او عمل کرد.

مؤلف در مقدمه کتاب خود می‌نویسد: «فقد سألتنی - أدام الله عزک - أن أجمع لک طرفاً مما سمعت منی فی مجلس المذاکره من ألفاظ رسول الله (ﷺ) علی حروف المعجم، فأجبتک إلی ملتسک تقریباً إلی الله و إلی نبیه (ﷺ)»...

### سند روایات

مصنف در اولین حدیث از هر بابی سند خود را ذکر می‌کند؛ اما در بقیه‌ی احادیث آن باب به جهت اختصار، همان‌طور که خود در مقدمه‌ی کتاب به آن اشاره کرده است، سند را نیاورده است.

طریق تحمل حدیث مؤلف نیز از نوع سماع می‌باشد؛ زیرا در اول اسناد از لفظ «حدثنا» و «حدثنی» استفاده کرده است.



تعداد بسیاری از این احادیث، در کتاب "الجعفریات" اسماعیل بن موسی بن جعفر (رضی الله عنه) موجود است.

قاضی نعمان بن محمد بن منصور، قاضی مصر، این احادیث را در "دعائم الاسلام" ذکر کرده است.

همچنین مرحوم سید فضل الله راوندی نیز بسیاری از این احادیث را در "النوادر" خودش نقل کرده است.

با تحقیقات انجام شده در چاپ جدید کتاب، تمام روایات مصدیریابی شده است و با نگاهی به آن می بینیم که تعداد قابل توجهی از روایات آن در کتب اربعه به خصوص "الکافی" و "من لایحضره الفقیه" نیز، ذکر شده است و این نشان از اعتبار احادیث این کتاب دارد. شاید دلیل اعتماد مؤلف به این احادیث، وثوق الصدوری بودن ایشان باشد و با توجه به قرآینی که برای ایشان ظاهر بوده است، احادیث را معتبر و صحیح

می دانسته اند.

### تعداد احادیث

همان طور که ذکر شد، تعداد احادیث این کتاب حدود ۵۷۸ روایت می باشد؛ هر چند شیخ آقابزرگ طهرانی در «الذریعة» نوشته است: (جامع الاحادیث النبویة لکتاب حدیث) «الذریعة ج ۵ ص ۳۱» و سید امین نیز در «أعیان الشیعة» نیز همین تعداد را گفته است، (أعیان الشیعة ج ۴ ص ۸۱) حال آن که با شمارشی که انجام شد، تعداد واقعی احادیث، حدود ۵۷۸ روایت می باشد؛ مگر این که با تقطیع روایات، تعداد آن ها به هزار برسد که بعید است. احتمال دیگری که ممکن است به ذهن برسد، این است که گفته شود در بعضی از نسخه ها تعداد احادیث هزار بوده است و نسخه های که الان موجود است، افتادگی دارد، این احتمال نیز بعید است؛ زیرا ابواب این کتاب به تعداد حروف الفبا است و کتاب موجود نیز تمام ابواب را درآورد و افتادگی ندارد. نکته دیگری که محتمل است و در مقدمه ی چاپ جدید کتاب، محقق آن، این احتمال را ذکر کرده است، ممکن است که مرحوم آقابزرگ طهرانی دچار اشتباه شده باشند و سید امین نیز به تبع ایشان همین تعداد را گفته باشند. (مقدمه چاپ جدید، کتاب جامع الاحادیث، ص ۳۳)

### مشایخ و شاگردان

برخی از مشایخ و کسانی که مؤلف از آن ها نقل روایت نموده است عبارتند از:

محمد بن علی بن الحسین ابوجعفر الصدوق؛

سهل بن احمد الدیاجی: «لا بأس به کان یخفی امره کثیراً ثم ظاهر بالمدین فی آخر عمره.» (مجموع رجال

الحدیث، ج ۸ ص ۳۳۳)





و محمد بن محمد الكوفي: عالم، جليل؛ (مجموع رجال الحديث، ج ۱۷، ص ۲۱۱).

و هارون بن موسى التلعكبري ابو محمد: «كان وجهها في أصحابنا ثقة، معتمدا لا يظعن عليه، له كتب»؛  
و... (مجموع رجال الحديث، ج ۱۹، ص ۲۳۵).

برخی از کسانی که از ایشان روایت نقل کرده‌اند:

«عبید الله بن موسی بن احمد العلوی السید ابو الفتح، محمد بن علی بن الحسن ابو جعفر الصدوق، محمد بن علی بن

محمد بن جعفر الدقاق و محمد بن علی بن محمد الفوی من شیوخ المفید الثانی» (مقدمه چاپ جدید کتاب جامع الاحادیث

ص ۲۷)

### چاپ کتاب

چاپ سنگی این کتاب با مقدمه علمای شعرانی می‌باشد که در چاپ جدید کتاب، محقق به آن اشاره کرده است؛ اما چاپ جدید آن با تحقیقات ارزنده و کامل و با فهرست‌های مختلفی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی با تحقیق سید محمد حسینی نیشابوری در سال ۱۳۷۱ شمسی به چاپ رسیده است. از مزایای این چاپ این است که محقق محترم تمامی احادیث آن را از کتب شیعه و اهل سنت مصدق‌یابی نموده و اختلافات آن‌ها را نیز بیان نموده است و هم‌چنین برخی واژه‌های مشکل آن را در پانویس توضیح داده است و طبق شمارشی که محقق نیز انجام داده است، تعداد روایات این کتاب ۵۷۸ حدیث می‌باشد.

### نسخ خطی

این کتاب دارای سه نسخه خطی کامل می‌باشد که در تحقیق چاپ جدید کتاب، از آن استفاده شده است:

۱. نسخه‌ای به خط محمد حسین بن زین العابدین الأرموی در تاریخ ۱۳۴۷ از مخطوطات آستان قدس رضوی به رقم ۷۹۵۰.

۲. نسخه‌ای به "خط العلامة" المحدث الشیخ میرزا محمد بن رجبعلی العسکری الطهرانی نزیل سامراء در تاریخ ۱۳۲۸.

۳. نسخه‌ی تصحیح شده از مخطوطات کتاب‌خانه فیضیه در تاریخ ۱۳۴۰ به رقم ۱۸۷۹.

(مقدمه چاپ جدید کتاب جامع الاحادیث، ص ۲۷)

### ابواب کتاب

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، این کتاب طبق حروف الفبا نوشته شده است و به تعداد حروف الفبا دارای باب است، البته ایشان باب مستقلی را نیز به روایاتی اختصاص داده که با حرف نقی «لا» شروع شده‌اند؛ لذا این کتاب دارای ۲۹ باب است. تعداد احادیث هر کدام از حروف الفبا ذکر می‌گردد و برای هر کدام نمونه‌ای آورده می‌شود.



الف: ۲۹ حدیث: «أعد عالما أو متعلما و إياك أن تكون لاهيا متلذذا»؛ صبح کن در حالی که یا عالم باشی یا علم آموز، و بپرهیز از این که عمرت در لذایذ غفلت‌زا و کامجویی‌های زیان‌بخش سپری گردد.

باء: ۲۸ حدیث: «باکروا بالصدقة فإن البلیایا لا تتخطأها»؛ بامداد خود را با صدقه آغاز کنید؛ زیرا بلا از صدقه نمی‌گذرد.

تاء: ۳۴ حدیث: «تواضع یرفعک الله»؛ تواضع کن تا خداوند مقامت را بالا ببرد.

ثاء: ۱ حدیث: «الثريد بركة»؛ آبگوش، برکت داده شده است (مبارک است).

جیم: ۱۲ حدیث: «الجنة دار الأسخياء»؛ بهشت، منزل سخاوتمندان است.

حاء: ۱۶ حدیث: «حرمة الجار علی الجار كحرمة أمه»؛ حرمت همسایه بر گردن همسایه مانند حرمت مادر است.

خاء: ۲۵ حدیث: «خیر النساء من إذا أعطیت شکر و إذا ابتلیت صبر»؛ بهترین زنان، زنی است که وقتی به او چیزی دادی سپاس‌گزاری کند و هنگامی که گرفتار شدی صبر کند.

دال: ۱۷ حدیث: «الداعی بلا عمل کالرأمی بلا وتر»؛ دعوت‌کننده بی‌عمل، چون تیرانداز بدون کمان است.

ذال: ۵ حدیث: «ذکر الله ما بین طلوع الفجر إلى طلوع الشمس أبلغ فی طلب الرزق من الضرب فی الأرض»؛ ذکر خدا گفتن بین طلوع فجر تا طلوع شمس، از جست‌وجو در زمین روزی را بیشتر می‌رساند.

راء: ۲۷ حدیث: «الراشی و المرتشی و الرایش بینهما ملعونون»؛ رشوه‌دهنده و رشوه‌گیرنده و واسطه بین آن‌ها لعنت شده‌اند.

زاء: ۹ حدیث: «زقوا عرائسکم لیلاً و أطعموا ضحی»؛ عروسی را در شب بگیرد و روز اطعام نمایید.

سین: ۲۰ حدیث: «السحور بركة»؛ سحری خوردن، موجب برکت است.

شین: ۱۹ حدیث: «شرار أمتی عزابها»؛ جوانان بی‌همسر، بدترین افراد امت من هستند.

صاد: ۲۲ حدیث: «صديقٌ عدوٌّ علی، عدوٌّ علی (العدو)»؛ دوست دشمن علی (علیه السلام) دشمن ایشان است.

ضاد: ۷ حدیث: «ضرب المسلم یدہ علی فخیذہ عند المصیبة إحباط لأجره»؛ ضربت زدن بر ران و زانو به هنگام مصیبت باعث نابودی اجر است.

طاء: ۱۶ حدیث: «طوبی لمن ترک شهوة حاضرة لموعود لم یر»؛ خوشا بحال کسی که شهوت و خوشی حاضر و آماده‌ای را به‌خاطر نوید نادیده‌ای (پاداش بهشت) ترک نماید.

ظاء: ۴ حدیث: «ظهور البواسیر و موت الفجأة و الجذام من إقتراب الساعة؛ پیدایش بواسیر و مرگ ناگهانی (سکته) و مرض جذام از علایم نزدیک قیامت است.

عین: ۲۱ حدیث: «العطسة عند الحديث شاهد؛ عطسه زدن هنگام سخن گفتن گواه است (بر راستی).  
غین: ۱۰ حدیث: «غیروا الشیب و لا تشبهوا بالیهود؛ سپیدی مو را تغییر دهید (خضاب کنید) و مانند یهود نباشید.

فاء: ۱۲ حدیث: «فرغ قلبک لما خُلِقَ له؛ قلبت را برای آنچه برایش خلق شده فارغ کن.

قاف: ۱۶ حدیث: «قلیل فی سنّة خیر من کثیر فی بدعة؛ عمل اندکی که موافق سنت است، بهتر از عمل بسیار مخالف سنت است.

کاف: ۲۴ حدیث: «کفی بالماء طیباً؛ بس است آب برای پاک کنندگی.

لام: ۳۲ حدیث: «لیس شیء أسرع إجابة من دعاء غائب لغائب؛ نزدیک‌ترین و سریع‌ترین دعا به اجابت، دعای برادر مؤمن برای برادرش در غیاب اوست.

میم: ۵۵ حدیث: «من أصبح و أكبر همه غير الله، فليس من الله؛ کسی که صبح کند و بزرگ‌ترین همش غیر خدا باشد، خداوند به او نظر لطفی نمی‌کند.

نون: ۲۶ حدیث: «نظر المؤمن فی وجه أخیه حیا له عبادة؛ نگاه محبت‌آمیز و صمیمانه مؤمن به چهره‌ی برادر مؤمن خود، عبادت است.

واو: ۱۹ حدیث: «ویرل لثجار أمتی من: «لا والله» و «بلی والله»؛ وای بر تاجران امت من، از قسم خوردن به «لا والله» و «بلی والله».

هـ: ۴ حدیث: «الهدیة علی ثلاثة أوجه: هدیة مكافأة و هدیة مصانعة و هدیة لله عز و جل؛ هدیه بر سه گونه است: هدیه‌ای به عوض، هدیه‌ای به ظاهر سازی و هدیه‌ای برای خدا.

لا: ۴۹ حدیث: «لا یملأ جوف ابن آدم إلا التراب؛ هیچ چیزی شکم آدمی زاد را پر نمی‌کند؛ مگر خاک.

یاء: ۱۹ حدیث: «یُحشر أبو طالب (ﷺ) یوم القیامة فی زئ الملوك و سیماء الأنبیاء (ﷺ)؛ حضرت أبو طالب (ﷺ) در روز قیامت در لباس پادشاهان و سیمای انبیاء محشور خواهد شد.

### عناوین و موضوعات کتاب

احادیث این کتاب منحصر در موضوع خاصی نیست؛ بلکه در موضوعات مختلفی مانند:

اعتقادات، فقه، اخلاق، طب، فضایل، علم، ازدواج، قرآن، دعا و... می‌باشد. با بررسی

انجام شده حجم احادیث اخلاقی و فقهی آن نسبت به دیگر موضوعات بیشتر می‌باشد؛

به‌عنوان مثال، تعداد احادیثی که درباره‌ی اهل بیت (ﷺ) است ۷ حدیث می‌باشد،

احادیث مربوط به علم، ۳۲ حدیث و احادیث طبی، ۲۶ عدد است.



برای آشنایی با احادیث و موضوعات آنها، نمونه‌هایی ذکر می‌گردد:

علم؛ ثواب علم: «إن العالم والمتعلم في الأجر سواء يأتيان يوم القيامة كهرسى رهان؛ عالم و دانش‌جو در پاداش مساوی هستند و در روز قیامت مانند دو اسب مسابقه خواهند بود. علم؛ برتری علم بر عبادت: «قليل الفقه خير من كثير العبادة»؛ دانش کم بهتر از عبادت بسیار است.

اعتقادی؛ فضایل اهل بیت: «التَّجُومُ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ وَأَهْلُ بَيْتِ أَمَانَ لِأَهْلِ الْأَرْضِ»؛ ستارگان امان اهل آسمانند و اهل بیت (علیهم‌السلام) من امان برای اهل زمین.

اعتقادی؛ دشمنان اهل بیت: «الوَيْلُ لِمَنْ لَمْ يَلْمِ أَهْلَ بَيْتِ عِزِّهِمْ مَعَ الْمُنَاقِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ»؛ وای بر کسانی که به اهل بیت (علیهم‌السلام) من ظلم کنند که عذابشان همراه منافقین در پایین‌ترین درجه‌ی آتش خواهد بود.

اعتقادی؛ فضایل اهل بیت (علیهم‌السلام): «الْوَالِدُ رِيحَانَةٌ وَإِنَّ رِيحَانَةَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ (علیهم‌السلام)»؛ فرزند، ریحانه (گل) است و در ریحانه من حسن و حسین (علیهم‌السلام) هستند.

فقهی؛ نماز: «كُلُّ صَلَاةٍ لَا يُدْعَى فِيهَا لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فَصَلَاةُ خِدَاجٍ»؛ هر نمازی که مؤمنین و مؤمنات در آن دعا نشوند، نماز ناقصی است.

فقهی؛ نماز جماعت: «الصُّفُّ الْأَوَّلُ فِي الصَّلَاةِ أَفْضَلُ وَالصُّفُّ الْآخِرُ فِي الْجَنَازَةِ أَفْضَلُ»؛ در نماز صف اول بهتر است و در (تشییع) جنازه صف آخر بهتر است.

فقهی؛ «زكاة»: «الزَّكَاةُ قَنْطَرَةُ الْإِسْلَامِ»؛ زکات، پل اسلام است.

فقهی؛ بیع: «غَيْبُ الْمَسْتَرَسِلِ رِبَا»؛ مغبون کردن کسی که به انسان وثوق داشته و اطمینان کرده است، مانند خوردن ریاست.

فقهی؛ شفعه: «الشَّفْعَةُ لَا تَوْرَثُ»؛ حق شفعه به ارث نمی‌رسد.

فقهی؛ ضمان: «لَيْسَ عَلَى الْمَسْتَوْدِعِ الضَّمَانُ»؛ بر شخص امانت‌دار ضمانتی نیست.

فقهی؛ ربا: «لَيْسَ بَيْنَنَا وَبَيْنَ أَهْلِ حَرِينَا رِبَا»؛ بین ما و کسانی که با ما در جنگ هستند، ربایی نیست.

فقهی؛ روزه: «لَيْسَ مِنَ الْبِرِّ الصُّومُ فِي السَّفَرِ»؛ روزه در سفر، جزء نیکی و خوبی نیست.

اخلاقی؛ نیکی به والدین: «بِرٌّ بِأَبٍ وَإِنْ سَافَرَ فِي ذَلِكَ سَنَتَيْنِ»؛ به پدرت نیکی کن اگرچه مجبور شوی به خاطر آن دو سال سفر کنی.



اخلاقی؛ حسن خلق: «لو علم الرجل ما له في حسن الخلق لَعلم أنه يحتاج أن يكون لي خلقٌ حسن»؛ اگر انسان می دانست، چه سودی در حسن خلق هست، متوجه می شد که او به حسن خلق نیاز دارد.

اخلاقی؛ سخاوت: «طعام السخى دواء و طعام السخى داء»؛ طعام شخص سخاوتمند، داروست و طعام شخص بخیل، درد است.

اخلاقی؛ صله رحم: «صل رَجَمَكَ و لو بشرية من ماء و أفضل ما يوصل به الرحم كَف الأذى عنها»؛ صله رحم کن گرچه با شریقی از آب و بهترین صله رحم بازداشتن آزار از اوست.

فضایل مردم؛ «أسعد الناس بهذا الدین أهل فارس»؛ سعادت مندترین مردم به این دین (اسلام) اهل فارس (فارسی زبانان) هستند.

فضایل مکان ها: «قزوين بابٌ من أبواب الجنة»؛ قزوين یکی از درهای بهشت است.

طبی؛ حجامت: «نعم للعبد الحجامه تجلو البصر و تحبف الدم»؛ چه خوب است برای عبد حجامت کردن، دیده را روشن می کند و درد را ریشه کن می سازد.

طبی؛ خواص غسل: «العسل شفاء، يطرد الريح و الحتى»؛ غسل شفاست، باد و تب را از بین می برد.

طبی؛ آداب خوردن: «كلوا الثمار و ترألاً یضروا و استاكوا عرضاً و لا تستاكوا طولاً»؛ میوه را یکی یکی بخورید تا مضر نباشد و به عرض مسواک بزنید نه به طول.

ازدواج؛ «یا اکم و تزوج الحمقاء، فإن مصبتها بلاء و ولدها ضیاع»؛ از ازدواج با احمق بپرهیزید، زیرا هم نشینی با احمق مایه اندوه و بلاء و فرزندش نیز تباه و بدبخت است.

امر به معروف و نهی از منکر: «بئس القوم قومٌ لا یأمرون بالمعروف و لا ینهون عن المنکر»؛ جماعتی که امر به معروف و نهی از منکر نمی کنند، جماعت بدی هستند.

اعتقادی؛ ذکر: سید القول لا اله الا الله؛ بهترین گفتار، "لا اله الا الله" است.

قرآن: «خيارکم من تعلم القرآن و علمه»؛ بهترین شما کسی است که قرآن را یاد بگیرد و آن را به دیگران یاد بدهد.

جوانی: «الشباب شعبة من الجنون»؛ جوانی، یکی از اقسام جنون و دیوانگی بشر است.

استجابت دعاء: «من سره أن تستجاب دعوته فليطلب كسبه»؛ کسی که دوست دارد دعایش

مستجاب شود باید کسبش (روزیش) را پاکیزه کند.



## شرح و توضیح احادیث

مؤلف این کتاب، ظاهراً فقط به جمع‌آوری احادیث اهتمام داشته است و آنها را شرح و تفسیر نکرده است و شاید دلیل آن اختصار باشد؛ زیرا اسناد احادیث را نیز به دلیل اختصار حذف کرده است و از میان ۵۷۸ حدیث، فقط یک حدیث را که موضوع آن فقهی می‌باشد، در ذیل آن شرح کرده است که عین عبارت آن در اینجا ذکر می‌گردد:

«الَّذِي يُحْكَمُ»

«قال مصنف هذا الكتاب رحمه الله: يعني في الصلاة يقع في موضع سجوده؛ فوت کردن در نماز هنگام سجده کردن در حکم کلام و سخن گفتن است. (توضیح این که برای کنار کردن گرد و غبار از محل سجده، اگر فوت کنیم، این فوت کردن حکم حرف زدن در نماز را دارد و باعث بطلان نماز می‌شود.)

تا آن جایی که نگارنده جست‌وجو نموده است، هیچ‌گونه ترجمه و شرحی برای این کتاب نوشته نشده است و لذا شایسته است که توجه بیشتری قرار گیرد و ترجمه یا شرحی برای آن نوشته شود.

### نتیجه

با توجه به مطالبی که گذشت، روشن شد که مؤلف این کتاب از بزرگان و علمای قرن چهارم هجری می‌باشد و وثاقت او با توجه به توصیف شیخ صدوق ایشان را به «الفقیه» ثابت شد و بر فرض که وثاقت از آن استفاده نشود، دلالت بر مدح ایشان دارد و این کتاب شریف، اولین اثر از شیعه در جمع‌آوری سخنان پیامبر (ﷺ) می‌باشد؛ زیرا، با توجه به بررسی‌های انجام شده تا قبل از ایشان در شیعه کسی کتابی که مختص به احادیث پیامبر باشد را تألیف نکرده است و لذا شایسته توجه بیشتری است. احادیث آن نیز مسند است و همان‌طور که اشاره شد، شاید از باب وثوق به صدور آنها باشد و تعداد بسیار بالایی از احادیث آن نیز، همان‌طور که در چاپ جدید کتاب مصدريابی شده است، در کتب دیگر ما نیز وجود دارد.



## کتابنامه

۱. الاسترآبادی، میرداماد محمد باقر الحسینی، الرواشح السماویة، قم، دارالحديث.
۲. آقابزرگ تهرانی، الذریعة، بیروت، دار الأضواء.
۳. آقابزرگ تهرانی، طبقات أعلام الشيعة، بیروت، دار الکتب العربي.
۴. أمین، سید محسن، أعیان الشيعة، بیروت، دارالتعارف.
۵. آیه الله خوئی، معجم رجال الحديث، نرم افزار درایة النور.
۶. آیه الله سبحانی، موسوعة طبقات الفقهاء، قم، مؤسسه امام صادق (علیه السلام).
۷. تفسیر الامام حسن عسکری (علیه السلام)، قم، مدرسه الامام المهدي (علیه السلام).
۸. حلّی، ابن فحد، التحصين، قم، مدرسه الامام المهدي (علیه السلام).
۹. حلّی، ابن فهد، عدة الداعی، قم، انتشارات وجدانی.
۱۰. خوانساری، سید محمد باقر، روضات الجنات، قم، مکتبه إسماعیلیان.
۱۱. رجال ابن داوود، قم، انتشارات رضی.
۱۲. رجال شیخ طوسی، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۱۳. سید ابن طاووس، الدروع الواقیة، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
۱۴. سید ابن طاووس، فلاح السائل، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۵. شهید ثانی، روض الجنان، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
۱۶. شیخ صدوق، التوحید، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۱۷. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، بیروت، مؤسسه الأعلمی.
۱۸. شیخ صدوق، معانی الأخبار، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۱۹. صدر، سیدحسن، تأسیس الشيعة، تهران، انتشارات اعلمی.
۲۰. القمی، جعفر بن احمد بن علی العروس، مشهد، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.
۲۱. القمی، جعفر بن احمد بن علی، جامع الأحادیث، مشهد، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.
۲۲. قهبانی، مجمع الرجال، قم، اسماعیلیان.
۲۳. الکاظمی، شیخ عبد النبي، تکملة الرجال، نجف اشرف، مطبعة الآداب.
۲۴. مجلسی، علامه محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۲۵. محدث قمی، الفوائد الرضویة، قم، دفتر نشر نوید اسلام.
۲۶. محدث قمی، سفیة البحار، بیروت، دارالمرتضى.
۲۷. مدیرشانه چی، استاد کاظم، درایة الحديث، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۲۸. میرزای نوری، خاتمة المستدرک، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).

۱۲۸

حدیث  
علوی  
تخصیصی  
علی  
فصلنامه